

اعلامیه نهضت آینده افغانستان

در مورد

تجلیل از شخصیت‌های فقید جنبش دموکراتیک افغانستان

۲۸ دسامبر ۲۰۰۸

تاریخ دیرین سال سرزمین ما گواهی میدهد که حرکت‌های دادخواهانه مردمی، خیزش‌های دسته جمعی زحمتکشان علیه بیداد طبقات حاکم و جنبش‌های مقاومت در برابر استیلاگران بیرونی، با تبارز شخصیت‌های راهنما و سازمانده همراه بوده اند.

نهضت انقلابی معاصر افغانی که زیر چتر جنبش جهانی سوسیالیستی و کارگری از میان تحصیلکرده گان پیشرو کشور سر بلند کرد به سرعت در وضعیت سیاسی کشور جا گرفت و چشم انداز تحولات بنیادی را به سود زحمتکشان پیش کشید. راه اندازان این نهضت، همه، علی الرغم عقبمانی وحشتناک اجتماعی - آیدیالوژیک جامعه، با شهادت عظیم انقلابی در برابر بیداد قد برافراشتند و مبارزه متشکل سازمانی را آغاز نهادند. نماینده گان واقعی و اصیل چپ امروز افغانی - که نهضت آینده افغانستان متشکل ترین بخش آنهاست - در برابر کارنامه ها و خاطرات هر یک از آن بانیان بی باک جنبش چپ انقلابی افغانستان، از جمله رفیق ببرک کارمل فقید، احترام عظیم به جای می آورند. تنها رفقای که امروز نیز به آرمانهای نسل اول جنبش چپ افغانی مبنی بر مبارزه علیه ارتجاع قرون وسطایی و امپریالیزم و رهایی انسان زحمتکش از زیر بار ستم و بهره کشی، وفادار مانده اند و با جدیت در راه نو سازی و تشکل نوین این جنبش تلاش و پیکار میکنند، شایسته گی نماینده گی از شهادت و روحیه رزمنده گی بانیان چپ افغانی را دارند و بس!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با احراز قدرت سیاسی، با دولت درآمیخت و در وجود یک ساختار واحد سیاسی - نظامی - اداری به مبارزه خود جهت تحقق تحولات دموکراتیک و متریقی ادامه داد.

بانیان حزب به مقامات کلیدی دولت راه یافتند و فصل جدیدی در زنده گی حزب و رهبران آن باز گردید. جنگ تحمیلی ویرانگر از سوی ارتجاع قرون وسطایی داخلی، ارتجاع منطقه و

امپریالیزم جهانی و مداخله مستقیم نظامی شوروی به کشور، چنان شرایطی را به وجود آوردند که تحقق تحولات اساسی به سود زحمتکشان پیوسته به عقب می افتاد. دفاع از حاکمیت حزب به مضمون اساسی مبارزه مبدل گردید و تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی کاملاً به تعویق افتادند. بیش از پنجاه هزار عضو سر سپرده ح.د.خ.ا و صدها هزار هموطن ما در روند این دفاع، جانهای خود را از دست دادند. شهیدان با نام و گمنام مردم افغانستان از جمله گلگون کفنان ح.د.خ.ا و تمام اعضای پیکارجوی آن، قهرمانان اصلی و مدافعان پیگیر سنگر منافع زحمتکشان بودند. باید خاطره تابناک زنده گی و پیکار آنان را نسل به نسل انتقال داد و شهامت و پایمردی شان را به اصول معنویت انقلابی چپ امروز و فردای افغانی مبدل ساخت.

با تأسف روند سیاسی - نظامی نتوانست از حلقه دفاع از حاکمیت حزب فراتر رود. تحقق نیافتن تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی به سود زحمتکشان افغانستان ومحاصره حزب - دولت دموکراتیک از سوی ارتجاع و امپریالیزم بخشی از رهبری حزب - دولت را در تنگنای چشم انداز قرار داد. زمینه های بروز انحرافات فراهم گردید و روگردانیهای جدی از روش آغاز یافته توسط ح.د.خ.ا صورت پذیرفت. جناح بازی، فراکسیون بازی، محفل بازی، معامله گری و ده ها مرض دیگر در داخل حزب - دولت تبارز یافتند. اکثریت رهبران حزب - دولت نی تنها با این امراض به مبارزه برخاستند، بل، خود در آنها سهیم شدند. معامله گریهای برخیه با نیروهای سیاه جهادی بالاخر منجر به سقوط حاکمیت و فروپاشی حزب - دولت گردید. حزب - دولتی که میتوانست در شرایط عقبمانده افغانستان، جهت حفظ حضور نیروهای چپ و مترقی در وضعیت کنونی سیاسی، به یک وسیله مؤثر مبدل گردد.

کیش شخصیت منشی عمومی و رییس دولت تا جایی دامن زده شد که باعث ایجاد انزجار در اکثریت صفوف انقلابی حزب و لایه های آگاه جامعه گردید. باری نویسنده سرمایه در نامه یی به ویلهم بلوس نگاشته بود: «دشمنی من با کیش فردیت چنان بود که در تمام مدت فعالیت انترناسیونال به نشرپیامهایی که از کشورهای گوناگون شایسته گی مرا بازگو میکردند، نپرداختم... این پیامها مرا اذیت میکردند. هیچگاهی به آنها پاسخ ندادم، به جز چند مورد آنها به خاطر سرزنش نگارنده گان آنها! هنگامی که انگلس و من به جمعیت مخفی کمونیستها پیوستیم، عضویت خود را مشروط به این ساختیم تا تمام نشانه های شیفته گی خرافی از **مقام و اتوریته** از اساسنامه آن حذف شود. لاسال برعکس آن عمل کرد.»

چندی بعد انگلس نگاشت : «مارکس و من با هرگونه اقدام برای بزرگداشت ما شدیداً مخالفت میکردیم.»

آنچه در حزب - دولت دموکراتیک افغانستان رخ داد با منش فروتنامه دو شخصیت غول پیکر تفکر و انقلاب، بنیان جهانبینی علمی از بنیاد بیگانه بود.

امروز که تقریباً دو دهه از آغاز فروپاشی حزب - دولت میگذرد، مسایل بغرنجی در برابر نیروهای مترقی قرار گرفته اند. وضع رقتبار زنده گی ملیونها هموطن ما که با گرسنه گی، مرض، بی خانمانی، فقرجانکاه و استبداد زرداران و زورمندان دست و پنجه نرم میکنند وظایف عاجلی را در برابر ما قرار میدهند. **مضمون اساسی مبارزه را تغییر همین وضعیت تشکیل میدهد.**

رفقای که هنوز هم به آرمانهای آغازین چپ افغانی و حزب دموکراتیک خلق افغانستان وفادار مانده اند باید به مضمون اساسی مبارزه بپردازند. منحرف ساختن توجه مبارزان از مضمون اساسی مبارزه اگر غیر آگاهانه باشد اشتباه است و اگر آگاهانه باشد، توطئه در برابر تشکل دوباره چپ افغانی در یک سازمان بزرگ مترقی و دموکراتیک است.

نوسازی و رستاخیز جنبش شکست خورده انقلابی افغانی در شرایط حاکمیت قرون وسطایی ترین نیروهای ارتجاع کار پر دامنه بیست که خواهان شکیبایی انقلابی، فراخبینی اندیشه یی، مهارت سیاسی و به ویژه وفاداری به منافع زحمتکشان است.

حادثه آفرینی های تصنعی و صرف انرژی جنبش به مسایل عاطفی و ذهنی، موانع جدیدی در برابر نوسازی چپ افغانی ایجاد میکنند. چپ افغانی نیاز دارد تا در فضای سالم تفکر، تبادل نظررفیقانه، آرامش معنوی، باتکیه روی مواضع مشترک، راه تشکل خود را در یک سازمان سراسری بپیماید. یاد کرد از کارنامه رهبران فقید باید توأم با بصیرت نقادانه باشد ورنه، به سرعت از کیش شخصیت زنده گان به «شیفته گی خرافی» رفته گان خواهیم لغزید و از آنجا به پرستش مذهبی وارا!

نهیضت آینده افغانستان با احساس مسؤولیت در قبال نوسازی چپ افغانی، با ادای احترام به شهدای جنبش و تمام مبارزان فقید، یادآور میشود که سازنده گان اصلی

تاریخ توده های مردم اند و مضمون اساسی مبارزه را دفاع از منافع دنیای کار تشکیل میدهد.

نهضت آینده افغانستان در برابر هر گونه تمایلات شخصیت پرستی، رفیقانه هوشدار میدهد که این امر فضای نسبتاً مساعدی را که در اثر تلاشهای دوامدار رفقا برای تشکل چپ افغانی در یک سازمان بزرگ به وجود آمده است، مخدوش خواهد ساخت.

ما برآنیم که بزرگترین ادای احترام به بنیان ح.د.خ.ا و دیگر سازمانهای چپ، ادامه دادن راه به سر نارسیده آنهاست. ما این راه را با خونسردی و متانت ادامه میدهم.

هیئت اجراییه شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

www.ayenda.org